

حقیقت علم

(شرحی معرفتی بر حکایت «اعرابی و ملامت فیلسوف به جهت ریگ در جوال کردن»)

دکتر محمد رضا رشیدی

www.ketab.ir

سرشناسه	: رشیدی، محمدرضا، ۱۳۴۳ -
عنوان قراردادی	: مثنوی برگزیده شرح
عنوان و نام پدیدآور	: حقیقت علم : شرحی معرفتی بر حکایت " اعرابی و ملامت فیلسوف به جهت ریگ در جوال کردن " محمدرضا رشیدی.
مشخصات نشر	: قم: نشر گمه (علیهم السلام)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۷۴ص.
شابک	: 978-600-8526-97-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابخانه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: شرحی معرفتی بر حکایت " اعرابی و ملامت فیلسوف به جهت ریگ در جوال کردن " .
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۷۷۲ق. مثنوی - نقد و تفسیر
موضوع	: Mowlavi, Jalaluddin Mohammad ibn Mohammad, 1207 - 1273 . Masnavi- Criticism and Interpretation
موضوع	: شناخت (فلسفه)
	: Knowledge, Theory of
	: شناخت (فلسفه) در ادبیات
	: Knowledge, Theory of, in literature
شناسه افزوده	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۷۷۲ق. مثنوی. شرح
رده بندی کنگره	: PIR۵۳۰۵
رده بندی دیوبندی	: ۳۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۳۵۱



حقیقت علم

(شرحی معرفتی بر حکایت «اعرابی و ملامت فیلسوف به جهت ریگ» در جوال کردن)

نویسنده..... محمد رضا رشیدی
ناشر..... انتشارات انمه (ع)
تیراژ..... ۱۰۰
نوبت چاپ..... اول ۱۴۰۳
شابک..... ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۶-۹۷-۱
قیمت..... ۱۰۰,۰۰۰ تومان

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۲

تلفن ۳۷۷۴۷۲۳۴ - ۳۷۷۳۷۹۱۸ (۰۲۵)

همراه: ۰۹۱۲۳۵۳۰۲۶۴

فهرست

۹	مقدمه مؤلف
۱۳	مقدمه
۱۳	مختصری از داستان اعراب در جنگ در جوال کردن
۱۵	جایگاه سکوت و سخن گفتن
۱۶	ظرفیت‌ها و آسیب‌های سخن گفتن
۱۷	سخن گفتن، آئینه صفات و افکار
۱۸	فرار از خلاء درونی، عاملی برای سخن گفتن
۱۹	منزلت کاذب سخن گفتن، در عصر حاضر
۲۱	تولید و عرضه لجام‌گسیخته داده‌ها، بهترین حربه برای تخدیر اذهان عموم
۲۲	بنای زندگی براساس اندیشه
۲۳	مدیریت ورودی‌های درون، شرط توان مندی در عرصه درون
۲۴	سکوت متکی بر غنای درونی، سکوی تعالی انسان
۲۷	جایگاه حس پرسش‌گری در شکل‌دهی شاکله وجود آدمی
۲۸	گرایش‌های درونی انسان و ریشه حقانی داشتن آن‌ها
۳۱	انسان و سرشته شدن فطرت او با عشق به محبوب ازلی
۳۲	جستجوگری، بستری برای ظهور حق در وجود آئینه‌ای مخلوق
۳۵	جهت‌گیری تمامی استعدادهای انسانی به حق کارویژه انسان در عالم طبع
۳۶	چگونگی مواجهه افراد با علم

۳۷	علم و نقش آن در توسعه عقل معاش و عقل معاد
۳۹	مردم و درک معنا و جایگاه حقیقی علم
۴۲	علم و کاربردهای بیرونی و درونی آن در حیات آدمی
۴۵	دلایل ناکارآمدی علم در مدیریت حیات درونی فرد
۴۶	ناکامی در عمل صالح، ریشه گرفتاری انسان در درون
۴۶	عمل صالح و حقیقت آن
۵۰	راز خلیفه‌اللهی و امتیاز اصلی حضرت آدم <small>علیه السلام</small> نسبت به فرشتگان
۵۱	نارسائی‌های اساسی تمدن بشری در قبال علم و فناوری
۵۲	علم نامطلوب از دیدگاه مولوی
۵۳	رهایی از انانیت، شرط تابش انوار الهی در درون جان آدمی
۵۵	حقیقت علم و راه رسیدن به آن
۵۷	جایگاه سؤال و طلب در متصف شدن انسان به علم
۵۸	علم تجلی و نمود حقیقت هستی در وجود مرآت‌ی انسان
۶۰	رُشد و ارتقاء جان آدمی در سایه علم و عالم و معلوم
۶۰	حقیقت علم از جنس «دارائی» است، نه «دانی»
۶۲	حیات حقیقی در سایه علم شهودی
۶۵	توحید، شالوده نظام فکری اسلام
۷۱	منابع و مآخذ
۷۳	نمایهٔ اعلام و اصطلاحات

مقدمه مؤلف

از جمله توفیقاتی که در دانشگاه نصیب اینجانب شده است، جلسات است که بین سال‌های ۱۳۹۰ تاکنون با دانشجویان و دانشگاهیان عزیز داشته‌ام. بخش اعظم این جلسات در مورد قرآن (بیش از چهارصد جلسه) و نیز مثنوی مولوی (بیش از یکصد جلسه) بوده است. آنچه در این نوشتار آمده است، مربوط به جلسات مثنوی مولوی، حکایت «اعرابی و ملامت فیلسوف به جهت ریگ در جوار کردن» از دفتر دوم، ابیات ۳۲۰۹-۳۱۷۶ مثنوی مولوی است که خدمت خوانندگان گرامی ارائه می‌شود. البته اینجانب قصد انتشار این مطالب را نداشته‌ام تا این که برخی از دوستان پیشنهاد این کار را دادند و در عین حال قبول زحمت نموده آن را مطالعه و نکات ارزشمندی را نیز در جهت بهبود و رفع نقائص آن ارائه نمودند که کمال تشکر را از ایشان داشته و از درگاه خداوند منان عالی‌ترین عنایات و برکات را برای ایشان مسألت دارم.

بدیهی است ورود به دریای مثنوی، نیازمند برخورداری از آمادگی‌های لازم است و برای کسی چون من، پرداختن به چنین دریای عمیقی مملو از نواقص و ایرادات فراوانی خواهد بود که امید است با نقدهای ارزشمندی که خوانندگان محترم انجام و مطرح خواهند نمود، بخشی از این کاستی‌ها و ایرادات برطرف شود.

مقدمه

مولوی قبل از این داستان، قصه شخص تیراندازی را نقل می‌کند که در پیشه‌ای بود و قصد تیراندازی به سوی سوار مسلحی که از آن پیشه می‌گذشت را داشت. ولی در واقع هر دو از درون، خالی از شجاعت بودند و با ظاهرسازی وانمود می‌کردند که کلام فرد شجاعی هستند. آن داستان با این ابیات به اتمام رسیده و به این داستان قصه اعرابی متصل می‌شود:

چون که یک لحظه نخوردی برزقن ترکِ فن گویا می‌طلب رَبُّ الْمِئْنِ
چون مبارک نیست بر تو این علوم خویشان گوی گُن و بگذر ز شوم
چون ملائک گو که: لا علم لنا یا الهی، غَیْرَ ما عَلَمْتَا

مختصری از داستان اعرابی و ریگ در جوال کردن

مولانا در ادامه داستان فوق و پس از اشاره به بی‌فایده و مخرب بودن علوم

۱. چون لحظه‌ای از میوه و ثمره میوه‌ات بهره‌مند نشدی؛ پس حيله‌گری را رها کن و پروردگار را بطلب که صاحب نعمت‌هاست. چون این دانش‌ها برای تو فرخنده و مبارک نیست؛ پس خود را از این علوم، ابله گُن و از ناخجستگی این علوم جزئی دست بردار. مانند فرشتگان بگو: خداوندا، ما را دانشی نیست جز آنچه خود به ما آموختی.